



تحلیلی بر اظهارات اخیر وزیر اقتصاد آمریکا

لاف زنی از زیر چرخ کامیون!



سرمقاله

واقعیت این است که زمان در تنگه هرمز به نفع آمریکایی‌ها نیست. ذخایر استراتژیک نفت ایالات متحده برای اولین بار پس از ۱۹۸۳ به زیر ۳۰۰ میلیون بشکه رسیده است. بنابراین، آمریکایی‌ها نمی‌توانند برای بلندمدت قیمت نفت را در بازارهای جهانی کنترل کنند. بسنت در همین مصاحبه گفت: «درگیری ایران باعث جهشی موقت در قیمت انرژی شده است. از این مرحله عبور می‌کنیم و قیمت‌ها کاهش خواهند یافت.» اما توضیح نداد با توجه به مشکل جدی در ذخایر، آمریکا چگونه می‌خواهد از این وضعیت عبور کند؟

قیمت در بازارهای جهانی، با حرف‌درمانی وزرای آمریکا کاهش نخواهد یافت و آمریکا باید بپذیرد دوره‌ای که قدرت بلامنازع اقتصادی در جهان بود، مدت‌هاست پایان یافته. اگر می‌خواهد اقتصاد بیمارش، که به اعتراف بسنت گویی با کامیون زیر گرفته شده، درمان شود و جوانانش در حسرت خانه‌دار شدن پیر نشوند، راهش این است که پایش را (مداخلات سیاسی و نظامی از گلیمش (توان اقتصادی آمریکا) درازتر نکند و به حاکمیت ایران در تنگه هرمز احترام بگذارد.

گرافه‌گویی‌های مکرر، چاقوی حرف‌درمانی را حتی برای مصرف داخلی در ایالات متحده کندتر خواهد کرد.

مصرف داخلی برای جامعه آمریکایی است؟ بسنت در همین مصاحبه، در یک ادعای کاملاً غیرعلمی، برای چندمین بار ادعا کرده است که تحریم‌های آمریکا باعث فروپاشی یک بانک بزرگ در ایران شده است! در حالی که انحلال یک بانک خصوصی در ایران، پس از تلاش‌های مستمر نخبگان فکری و سیاسی کشور و در راستای اصلاح نظام بانکی اتفاق افتاد و اساساً هیچ ربطی به تحریم‌ها نداشت. فرآیند انحلال بانک‌های کژکارکرد در همه کشورها امری مرسوم است و در خود آمریکا در سال ۲۰۲۶ دو بانک منحل شدند.

از این دروغ که بگذریم، اساساً مگر چیزی مانده که در ایران تحریم نشده باشد؟! گزارش‌های وزارت خزانه‌داری نشان می‌دهد که تنها در سال ۲۰۲۵، بیش از ۸۷۵ شخص، کشتی و هواپیما در ارتباط با ایران تحریم شده‌اند. از اینجا به بعد، فقط در صورتی فشارهای جدید آمریکا کارگر می‌افتد که بتواند طرف‌های ثالث را مجاب کند با ایران تجارت و مبادرات اقتصادی نداشته باشند و واقعیت این است که سایر قدرت‌ها، حرف یک قدرت فرتوت در حال افول را گوش نمی‌کنند. تجربه سفر ترامپ به پکن پیش روی ماست؛ جایی که از شی، رئیس‌جمهور چین، خواست چین از ایران نفت نخرد و با پاسخ منفی مواجه شد.

طبقه کارگر بالا می‌رود؛ وقتی آنها را به کشورهایشان بازمی‌گردانید، اجاره‌بها کاهش می‌یابد.» مجری برنامه نیز در تأیید حرف او می‌گوید: «روند اخراج از کشور احتمالاً یکی از عواملی است که می‌تواند به کاهش فشار در بازار مسکن کمک کند. مسکن بدترین وضعیت را داشته؛ قیمت‌ها جهش کرده‌اند و کسی توان خرید خانه ندارد. همین مسئله، به گمان من، روحیه نسل جوان را خرد می‌کند؛ اینکه ۳۰ ساله باشید و همچنان مستأجر. احساس خوبی نیست.»

این فضای بحث وزیر خزانه‌داری کشوری است که تلاش می‌کند روند افول هژمونی‌اش را کند کند؛ کشوری با مداخلات گسترده سیاسی و نظامی در اقصی نقاط دنیا، در حالی که اقتصادش مثل بیماری است که با کامیون زیر گرفته شده، قیمت‌ها، به‌ویژه قیمت انرژی، در آن جهش کرده و کسی توان خرید خانه را ندارد.

در همین گفت‌وگو، بسنت پس از طرح ادعاهای کذب و اغراق‌شده در مورد اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران گفت: «هفته آینده منتظر اعلامیه‌های بیشتری باشید؛ زیرا اقداماتی اعمال خواهیم کرد که مانند آن در تاریخ انزوای اقتصادی یک کشور دیده نشده است.»

اما چرا این ادعا، یک لاف سیاسی است و صرفاً برای

وقتی اقتصاد و معیشت خانوار در کشوری با اخلال مواجه می‌شود، نگاه‌های چپ اقتصادی در رسانه‌ها پررنگ شده و جریان‌ات سیاسی سوسیالیستی طرفدار پیدا می‌کنند. این درست اتفاقی است که پس از جنگ افروزی آمریکایی‌ها و حمله به ایران در ایالات متحده افتاده است. به همین خاطر، اخیراً اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، مجبور شد در مصاحبه با نیوزمکس به افکار عمومی کشورش پاسخ دهد که چرا در این کشور، جنبش‌های سوسیالیستی تقویت شده‌اند و به تعبیر مجری برنامه، در حال تسخیر حزب دموکرات هستند.

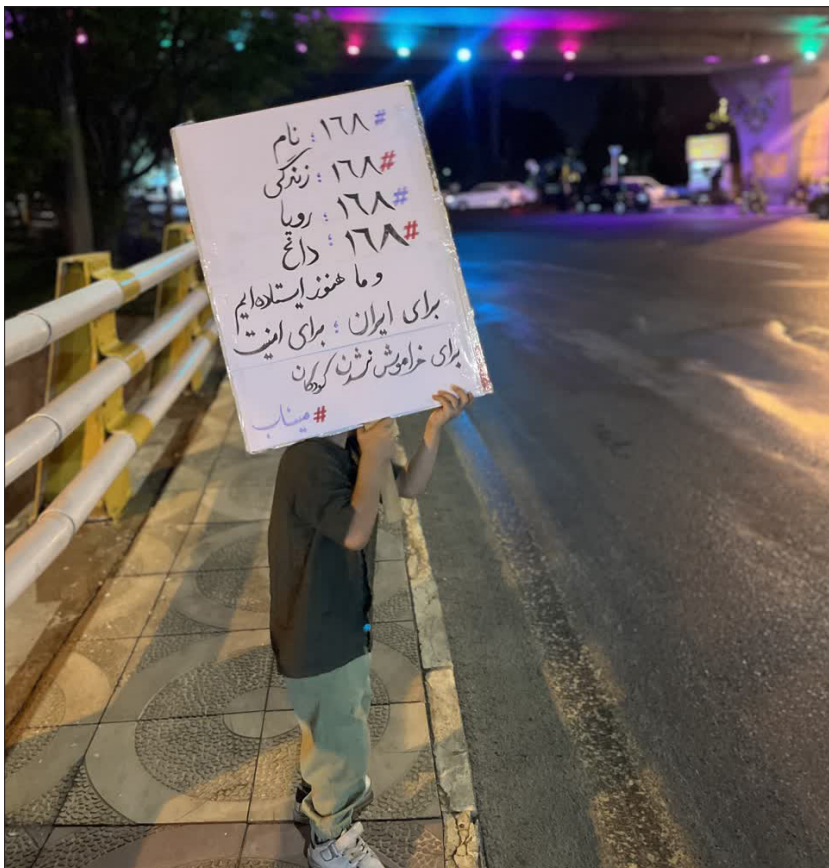
مصاحبه بیشتر مصرف داخلی دارد، پر است از اعترافات وزیر خزانه‌داری در مورد وضعیت بد اقتصاد و معیشت در آمریکا و وعده‌های پوچ بهبود اوضاع اقتصادی در آینده. بسنت خود در اعترافی آشکار می‌گوید: «احساس می‌کنم پزشک اورژانس هستم؛ بیمار (اقتصاد آمریکا) با کامیون زیر گرفته شده بود و نخستین کار ما تثبیت وضعیت او بود. اکنون داروی درست را تجویز کرده‌ایم و اوضاع به تدریج بهتر می‌شود.»

وزیر خزانه‌داری از سیاست اخراج نیروی کار مهاجر از آمریکا دفاع می‌کند و می‌گوید: «وقتی مهاجران غیرقانونی را از بازار کار خارج می‌کنید، دستمزد

قاب

۱۶۸ شب حضور میدانی به یاد شهدای میناب

حضور مردمی در خیابان‌ها، که پس از شهادت رهبر شهید انقلاب آغاز شده بود، به شب ۱۶۸ رسید. مردم در تمامی این شب‌ها، به یاد رهبر شهید انقلاب و در انتظار انتقام او و دیگر شهدا، و در لبیک به فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، در خیابان‌ها حضور یافته‌اند. در شب ۱۶۸ حضور نیز، یاد ۱۶۸ شهید میناب همچنان در قلب مردم زنده است.



روایت رواق دارالذکر

کارت دعوت

من و حسین بالاخره بعد از یک سال زن و شوهر شدیم. سفره افطار که جمع شد، حاج آقا خطبه‌مان را خواند. حسین زیر گوشم گفت: «لیلا شایعه شده بیت‌روزدن.» زیر بار نرفتم. گفتم: «امکان نداره. مگه الکیه.» تا دم‌دمای اذان صبح که حقیقت خودش را نشان داد. رخت سفیدمان را عوض کردیم و رفتیم سیدمحمد، امام‌زاده شهرمان کاشمر. چشم‌دوخته بودم به گنبد و فکر و ذکرم پیش نامه‌ای بود که با حسین برای آقا نوشتیم و خواستیم دعایمان کند و تبرکی بفرستد. حالا همه چیز رفته بود زیر خروارها خاک. زن جوان این تکه‌تکه‌های خاطرات را از خودش جدا می‌کرد و می‌گذاشت جلویم. پرسیدم: «اولین باره می‌این دارالذکر؟» ابروهایش را انداخت بالا: «نه، دوسه بار از موقع تدفین اومدیم. انگار خونه بابام باشه، دلم تنگ می‌شه. شوهرم روسرخط می‌کنم بیارتم. اما این سری فرق داره. هفته دیگه می‌خوایم بریم سر خونه زندگی مون. اومدم از آقادهوت کنم هم بیاد عروسیم، هم دعامون کنه. دیگه نامه هم نمی‌خواست.» پرسیدم: «رسم و رسوم می‌هم از حرف‌های آقا یادگاری بردین تو زندگی تون؟» با لبخند پاسخ داد: «اوه! خانم، خبر نداری. پامو کردم تویه کفش که مهریه فقط چهارده تاسکه. ننه بابام ریختن سرم که چی می‌گی دختر، ولی من کوتاه نیومدم. گفتم ارث بابامه. حرف آقامه. زمین بذارم به چه دردش می‌خورم. حریفم نشدن. براجهازم به شوهرم فشار نیاوردم. انقدی که زورم برسه نمی‌دارم حرف آقام زمین بمونه. الان بیشتر از قبل مارو می‌بینه.»

مریم برزویی

#اعتراف‌واشنگتن‌پست

ایران، آمریکا را بی‌اعتبار کرد

جنگ ایران فقط برای آمریکا هزینه نظامی نداشته، بلکه ستون مهم‌تری از قدرت این کشور، یعنی اعتبار و اعتماد متحدان، را نیز فرسوده کرده است. فرید زکریا، کارشناس آمریکایی، دریاداداشتی درواشنگتن پست می‌نویسد جنگ ایران به «کلاس درسی درباره هدر دادن اعتبار یک ابرقدرت» تبدیل شده است. او معتقد است تغییر مواضع عربستان، ترکیه و پاکستان و امضای توافق دفاعی مکه، تا حد زیادی نتیجه کاهش اعتماد این کشورها به تعهدات امنیتی آمریکا و شخص دونالد ترامپ است. زکریا به وعده‌های مکرر ترامپ درباره نزدیک بودن توافق با ایران اشاره می‌کند که به نتیجه نرسید و همچنین ادعای او درباره «کنترل کامل» تنگه هرمز را در برابر کاهش شدید عبور کشتی‌ها قرار می‌دهد و می‌گوید ترامپ مدام بلوف می‌زند. این گونه است که قدرت‌های بزرگ افول می‌کنند و همین مسئله باعث شده دیگر اعتبار آمریکا نزد متحدان چندان جدی گرفته نشود. وقتی متحدان آمریکا احساس کنندواشنگتن دیگر قادر به تضمین امنیت آن‌ها نیست، به سمت ساختن گزینه‌های مستقل می‌روند. شکل‌گیری همکاری امنیتی میان عربستان، ترکیه و پاکستان را می‌توان در همین چارچوب دید. از این منظر، یکی از هزینه‌های مهم جنگ برای آمریکا، کاهش اعتبار بازدارندگی و افزایش تمایل متحدان به استقلال امنیتی است؛ هزینه‌ای که برخلاف یک موشک یا ناو، به‌سادگی قابل جایگزینی نیست. مجموع واکنش‌ها به شکست ترامپ در جنگ چهل‌روزه، بلوف‌های بی‌پشتوانه و عدم توانایی در دفاع از متحدان، نشان‌دهنده کاهش عمیق اعتماد به آمریکا و سخنان ترامپ است.